

گلچین عرفان

## مروری بر سورة الامر و لوح الامر

محمد افنان

سورة الامر و لوح الامر دو اثر از آثار جمال اقدس ابهی است که اولین در ادرنه قبل از فصل اکبر و دومین محتملاً نازل در عکاست. عنوان های سوره ، لوح ، کتاب و امثال آن در عنوان بسیاری از آثار حضرت بهاء الله به کار رفته است. اگر چه کلمه "لوح" به طور عامّ عنوان همه آثار مبارک است، ولی به طور خاصّ عناوین مذکور به الواح معین نیز اطلاق شده است.

کلمه «امر» که از کلمات و اصطلاحات قرآنی است مفاهیم متعددی دارد، ولی مفهوم مخصوص و مستقل آن به ظهور مظاهر الهی اختصاص دارد<sup>۱</sup> و در معارف بهائی اشاره به عالم واسطه بین حق و خلق است که اختصاص به مظاهر ظهور الهی دارد.

عنوان نازله در ابتدای سورة الامر چنین است "هذه سورة الامر قد نزلناها بامر من لدنا و سلطان من عندنا و انا الامر الحاكم العالم المقتدر المهيمن القيوم" که به نفسه مبین این حقیقت است که ظهور جدید قیام فرموده است. مطلع اثر مبارک مذکور چنین است که "سبحان الذي خلق الخلق بامر و ابداع خلق كل شيء اقرب من ان يحصى ان انتم تعلمون..." که دلالت بر ابداع امری بدیع دارد. اگرچه الفاظ «بداع» و «ابداع» و «كل شيء» در قرآن نیز مکرر است، ولی مفهوم حقیقی آنها را باید در سایه تبیینات بیانی آشنا شد.

مفاهیم و مطالب آیات سورة الامر را نمی توان در این مختصر حقّ مطلب ادا کرد، فقط به ذکر بعضی از نکات مهمّه آن اکتفاء می شود. از جمله در اوائل اثر

مبارک مذکور قدرت الهی به دریا و بحر تشبیه شده که هرچه از آن برداشته شود از آن کاسته نمی‌شود، و علم الهی به اریاح و بادها که با وزیدن به انتهای نمی‌رسد. امر الهی در این مقام مورد تشبیه قرار گرفته که برای ظهورات آن پایانی نیست. سپس تأکید می‌فرمایند که همچنانکه ذات الهی از آنچه ما می‌دانیم برتر است، امروز ظهور او نیز از هر تمثیلی و تشبیهی برتر است، لکن این مثل و تمثیل برای آسان ساختن شناسائی امر اوست. سپس به زبان نصیحت و هدایت همگان را متذکر می‌فرمایند و از پیروی گذشتگان، که از حق محروم ماندند، منع می‌فرمایند. در این مقام با ارائه شاهد از سرنوشت گذشتگان و اعمال نابجای آنان و عذاب ابدی که برای خود خریدند همه را نصیحت می‌فرمایند که مبدا به آن اعمال خود را محروم از رضای پروردگار نمایند. اموال و اولاد و قدرت و غلبه هیچ یک باعث رستگاری نخواهد بود و باید بر حق توکل کرد و حکم او را پیروی نمود. سپس ادامه می‌فرمایند که اگر مخاطبان، که در درجه اولی اهل بیانند، به این آیات متذکر نگردند، خداوند تعالی خلقی جدید خواهد آفرید که به امر و اراده او عمل نمایند و در آستان او ساجد گردند. خطاب مبارک در این آیات به اهل بیان است که مدعی ایمان به علی (حضرت نقطه اولی) هستند، اما آیات او را انکار می‌کنند، گمان می‌برند که به مظاهر سابقه مؤمن هستند، اما نه چنین است، زیرا که به ظهور بدیع کفر می‌ورزند. خداوند البته باطل را به اعمالش رسوا می‌سازد و حق را به کلمات و آثارش ثابت و ممتاز می‌فرماید. حق این است که ما جز آنچه حق برای ما خواسته نخواهیم و مراد ما در دنیا و آخرت همین است. سپس در آیات بعدی اظهار شکر و صبر در بلایا می‌فرمایند که شکایت و حکایتی جز به جانب او نیست و سپس شرحی مستوفی در صفات و اخلاق اصفیاء الله بیان می‌فرمایند. پس از اظهار نصایح مخصوصه به ذکر کتاب بیان پرداخته و اشاره به افتتاح درهای بهشت رضای الهی (ابواب الرضوان) فرموده، از نعمتهای آن و حور و قصور و نعمات بهشتی یاد فرموده و به هفت نهر جاری در آن اشاره می‌فرمایند که چهار نهر اولیه آن یادآور تفسیر کتاب بیان از نهرهای آب و شراب و شیر و عسل مذکور در قرآن است<sup>۲</sup> و در آن کتاب مستطاب به آیات و مناجات و تفاسیر و اجوبه تعبیر شده است و سه نهر دیگر یکی به اسم حبیب، و دیگری به وضع و هیئت تثلیث در

کلمه تربیع، و بالاخره نهر هفتم که از هر رنگ و طعمی مقدس است، زیرا از جوهر فطره الهی آفریده شده و وصف آن در بیان نگنجد و به قلم در نیاید. به نظر می‌رسد نهر پنجم که مذکور به نام حبیب شده اشاره به اسم الله الاول، جناب ملاحسین، و اسم الله الآخر، جناب قدوس<sup>۳</sup> است، و نهر ششم، که تثلیث و تربیع را حائز است، مقصود اسم مبارک حضرت نقطه، یعنی علی محمد، است که هفت حرف است، و همچنین اسم حضرت بهاء الله نیز چنین است، با این تفاوت که «علی» که مظهر تثلیث است بعد از «حسین» (مظهر تربیع) قرار دارد، و نهر هفتم اشاره به وجود مبارک موعود بیان است که مقصود نفس هیکل مبارک جمال ابهی است.

در خلال آیات بعدی ذکر ظهور اسم اعظم و بشارت به لقاء الله مذکور است. حضرتش به عنوان «غمام الامر»، «جمال الله»، «جمال قدس منیر»، «سازج روح»، «کلمه اعظم»، «سماء القدس»، «شمس الاحدیه»، «بحر اعظم»، «شجرة الله»، «کنز الله»، «طلعة الله»، «عندلیب بقاء»، «کتاب مبین»، «حجة علی من فی السموات و الارضین»، «ساذج بقاء»، «اسم الله»، «اسمی»، «حرف البقاء»، «نسیم العز»، «رضوان الحب»، «نغمة العماء»، «طیر بقاء»، و «غلام فردوسی» ذکر شده است. اهل ایمان به «طیور فردوس» مخاطب شده و به نغمه خوانی به بهترین نغمات و طیران در هوای روحانی دعوت شده‌اند.

در همین حال محرومیت شطر عراق (بغداد و اطراف آن) را یادآوری فرموده و او را به نوحه و زاری امر فرموده‌اند که جمال الله آنجا را ترک فرموده و در ورای کوه های بلند مستقر شده و او را از این محرومیت تسلیت فرموده و با آیاتی سراسر حزن و اسف و غم و الم آنجا را از این که مقام و مظهر الهی ترک دیار فرموده، اما مشرکان و کافران در آن جای گزیده‌اند دل‌داری فرموده‌اند. سپس از اهل بیان انصاف می‌طلبند که مبادا از نظاره جمال قدس الهی محروم مانند و با آیات حق مجادله و مکابره نمایند و آنان را به این نکته متذکر می‌دارند که بر نفس خود رحم کنند و نفس الله را با خود قیاس نگیرند و آیات الهی را با کلمات بشری خود نسنجند، و از حد خود تجاوز نمایند. سپس اشاره می‌فرمایند که در بین آنان

کسانی هستند که به فضل الهی اقرار دارند و به کلمات بیان معتقدند و مردم را به عدل دلالت می‌کنند، و در همه حال به آیات الهی ناطقند، اما آنان که چشم بینا دارند می‌بینند که قلب آنان غیر از زبان ایشان است و از آنها راحه دشمنی و نفاق می‌شنوند<sup>۴</sup> و این حقیقتی است که هم‌اکنون از قلم الهی جاری شده. با این همه حضرتش اسمشان را کتمان می‌فرماید، شاید در نفس خود متنبه گردند. اما ای جمع بیانیان به آنان نزدیک نباشید و گفتارشان را نپذیرید.

سپس در آیات بعد کیفیت خطاب تغییر می‌نماید و جمال قدم ضمن آیات مهمینه اظهار و ابلاغ ظهور جدید و مقام بدیع می‌فرمایند و مقامات و مراتب الهی حضرتش را ابلاغ می‌فرماید، و به این نکته بدیع اشاره می‌فرمایند که «من شرف بلقائک فقد شرف بقاء الله العزیز العلیم». استشهاد به آیات مزبور تنها از طریق زیارت آن میسر است، وگرنه ترجمه مطالب نه وافی به مقصود است و نه آسان میسر می‌شود. بالاخره در تلو این آیات نصائح مشفقانه به اهل عالم، علی الخصوص اهل بیان، آمده است که متضمن امر به انقطاع از همه شئون و توجه به باب آستان است که امروز از عبادت ثقلین برتر و بهتر است، و متعاقباً از بلائی وارد در سجن عظیم (مقصود ادرنه است) یاد می‌فرمایند و آن را بر آنچه بر حضرت نقطه وارد آمده تطبیق می‌فرمایند و به این بیان که "انه (حضرت باب) حبس فی مقام الذی ما سمع اسمه احد من المحیین كما حبسونا فی تلك الایام فی مقام الذی ما ذکر اسمه من قبل ان انتم من العالمین ... قل قد ظهر جمال الاولی (حضرت نقطه) فی هیکل الاخری (جمال مبارک) فتبارک الله ابدع الابدعین و یظهر جمال الاخری فی هیکل الاولی فتعالی الله اقدر الاقدرین"، و متعاقباً با این آیات مجدداً به صراحت اظهار امر می‌فرمایند "قل انه قد بعثنی بالحق و انطقنی بآیات بدع مبین التي تعجز عن عرفانها کل من فی السموات و الارضین لاهدیکم صراط السوی و القی علیکم ما سطر فی البیان من لدی الله الغالب القاهر المهیم القدیر". سپس مجدداً اهل بیان را نصیحت و از فساد در امر الهی نهی می‌فرمایند. سپس از کوشش مشرکان به هدف قطع فیض الهی و نغمات ربّانی از سرزمین عراق (بغداد) و سایر نقاط ذکری فرموده و ظهور و استقرار در «اراضی القدس» را بشارت می‌فرمایند. آیات بعد متضمن اشارات و

بشارات به غلبه امرالله و نصیحت و دلالت اهل بیان به اجتناب از مغلین است که به تزویر و ریا دلخوشند. در نهایت امر به این کلمات مبارکه ناطق: "قل من اعرض عن هذا النور المشرق عن هذا الشطر المقدس المنير قد اعرض عن الله و برهانه و حجته و آیاته و دلیله و عن کلّ النبین و المرسلین". سپس اهل عالم را نصیحت و به اجتناب از نفوسی که بمانند بغل و حمیرند تحذیر می فرمایند و در مراتب ظهور و بروز خورشید الهی و نارالله موقده شرحی مبسوط بیان فرموده آنان را به توجه به حق هدایت می فرمایند و در خاتمه سوره مبارکه وعده و بشارت تأیید و نصرت به ناصرین و خادمین امر الهی تصریح شده است.

قسمت مهمی از این لوح مبارک خطاب نصیحت و هدایت به اهل بیان است و اظهار امر بدیع الهی و متضمن این نکته که حضرتش از اعمال گروهی از آنان راضی و خوشنود نبوده است.

در خاتمه جا دارد به این آیه صریحه توجه کنیم که می فرماید: "قل ان هذہ لشمس اشرفت لذاتها بذاتها و ان هذہ لنار الله التي او قدت لنفسها بنفسها و ان هذہ لهدایة الله قد برزت لکینونتها بکینونتها ان انتم من العالمین". این بیان مبارک خلاصه و جوهر مطلب و حاکی از اظهار امر بدیع الهی به طور عام و به کیفیت کمال و تمام به اهل عالم است.

سورة الامر در همان اوقات نزول حسب اراده جمال قدم توسط میرزا آقاخان خادم به میرزا یحیی ابلاغ شد. مشاؤلیه انکار کرد و خود را حائز مقام رسالت دانست و بدین وسیله مقدمات فصل اکبر فراهم شد.

مقدار حجم سوره مبارک مذکور هفت صفحه و هر صفحه سی سطر و هر سطر بیست کلمه یا بیشتر است و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد به چاپ نرسیده اما گراوری از صفحه اول لوح به خط مبارک جمال قدم در ابتدای کتاب Revelation of Bahá'u'lláh، تألیف فاضل فقید، جناب ادیب طاهرزاده، زیارت می شود. مقطع لوح "ان الله قد کتب علی نفسه بان ینصر الذینهم نصروا امره و کاتوا من الناصرین و الحمد لله رب العالمین". سورة الامر در حقیقت ابلاغ امر

بدیع به اهل بیان و اتمام حجّت به آنان است. قدرت و هیمنه آیات در این اثر جلیل و رای حدّ این معرفّی نارساست.

## لوح الامر

عنوان لوح و کتاب در مطلع بسیاری از آثار مبارکه آمده و آثاری با مطلع لوح البقاء و لوح القدس نیز می‌توان زیارت نمود. اما عنوان «لوح الامر» ظاهراً اختصاص به این اثر مبارک دارد که عنوان با مطلب لوح که در باره عظمت امر ظهور مبارک است تناسب مخصوص دارد. لوح مزبور خطاب به جناب ملا علی بجزستانی از مؤمنین اولیه است.

در این لوح تحقّق بشارات سابقه مذکور و عظمت امر به این بیان یاد می‌شود که "يشهد كلّ الذّرات لمنزل الآيات ولكن الناس اكثرهم لا يشهدون". در تلو لوح ذکر اعزاز جناب ملا حسن عمو از جانب علمای عراق به محضر مبارک و تقاضای اظهار معجزه و قبول تقاضای آنان و متعاقباً نکس و نکول آنان را ذکر فرموده<sup>۵</sup> و به سابقه انتظارات گذشتگان و ردّ و تردید آنان اشاره فرموده و به این آیه که "ان استمع ما يوحى اليك من سناء العظمة والاقدار انه لا اله الا انا المهيمن القيوم قد خلقت الممكنات لنفسى و ذرئت الكائنات لأمرى انا المقتدر على ما اشاء بقولى كن فيكون" مطلب را ختم فرموده‌اند. در خاتمه لوح مبارک مناجات مخصوص برای مخاطب نازل شده و او را از «اهل بهاء» محسوب و عنایت مخصوص ابراز فرموده‌اند.

لوح مزبور مشتمل بر متجاوز از چهل سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه است و در مجموعه «آثار قلم اعلی» (جلد اوّل کتاب مبین) به طبع رسیده است. مطلع لوح مبارک چنین است: "الاقدر الاعظم هذا الامر قد نزل من لدن مالک القدر ليقرب الناس الى المنظر الاكبر هذا المقام الاظهر الذى يطوف فى حوله ملائكة مقربون" و مقطع آن "انک انت مالک الاسماء و فاطر الارض و السماء لا اله الا انت العليم الحكيم".

## مآخذ

۱- اصطلاح «امر» به مفهوم ظهور مظاهر الهی در قرآن است: "يَدْبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ" (سورة السجدة (۳۲)، آیه ۵)؛ و همچنین "أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ" (سورة النحل (۱۶)، آیه ۱)؛ "يَدْبِرُ الْأَمْرَ يَفْصِلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ" (سورة الرعد (۱۳)، آیه ۲). مفسرین عموماً آن را به معنی قیامت گرفته اند، که با تبیین مطلب در کتاب مستطاب بیان مقصود ظهور الهی است.

۲- بیان فارسی، واحد دوم، باب پانزدهم.

۳- در خصوص اسم حبیب به طور اخصّ به اسرارالآثار (اثر جناب فاضل مازندرانی)، جلد سوم، ذیل کلمه «حبیب» مراجعه شود.

۴- در ایام بغداد نفوسی مانند ملا رجب علی قهبر - ملا علی محمد سراج، برادرش - ملا جعفر نراقی - حاجی میرزا احمد کاشانی - سید محمد اصفهانی - ملا هادی قزوینی (حرف حی) به درجات و صورت‌های مختلف با حضرت بهاءالله مخالفت می نمودند و تظاهر به توجه به میرزا یحیی داشتند.

۵- مطلب تاریخی مذکور در همه مراجعی که در باره تاریخ حیات جمال اقدس ابهی جمع آوری شده مذکور است.